

## ارزیابی رویکردهای معاصر در تفسیر قرآن، بر پایه نظریه کارآمدی

خدیجه احمدی بیغش\*

محسن قمرزاده\*\*

DOI: 10.22096/rc.2021.244792

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱]

### چکیده

قرآن کریم تنها کتاب آسمانی به دور از تحریف، و شامل برنامه هدایت بشر در همه زمان‌هاست. تلاش مفسران نیز در قرون متمادی، همواره در راستای کشف و تفسیر معارف قرآن با ارائه نظریه‌های تفسیری بوده است؛ چراکه با ارائه این معیارها، نظریه تفسیری می‌تواند کارآمد و در همه زمان‌ها و زمینه‌ها پویا و ماندگار باشد.

از سوی دیگر، کارآمدی یک نظریه از رویکردهای معاصر در معرفت‌شناسی است که در زمینه معارف دینی هم اثر گذاشته است. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که یک نظریه تفسیری باید چه معیارهایی داشته باشد تا بتواند در رویکرد راهبردی خود کارآمد باشد. بررسی تحلیلی - توصیفی کارآمدی یک نظریه تفسیری، از حیث معیارهای راهبردی، مانند: عدم دخالت دانسته‌های پیشین مفسر، تحول دیدگاه‌ها بدون تحول معانی واژگان، رابطه زبان و فرهنگ زمانه، شناخت اهداف آیات و سوره، سطح و بطن‌شناسی و... موجب کشف سطوح بیشتری در فهم قرآن شده و گسترش کمی و کیفی فهم آیات الهی را به دنبال خواهد داشت و به پایداری و مانایی یک نظریه تفسیری خواهد انجامید.

**واژگان کلیدی:** رویکردهای معاصر؛ تفسیر قرآن؛ نظریه کارآمدی.

\* دکتری تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Kh.ahmadi3103@yahoo.com

\*\* مدیر گروه فقه قرآن و حدیث، مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، قم، ایران.

Email: ghamarzadehm@gmail.com



### مقدمه

اصول منطق تفسیر قرآن کریم، ایجاب می‌کند که مفسر پیش از اقدام به تفسیر، نظریه تفسیری خود را مشخص و در سراسر تفسیر آن را رعایت کند. کارآمدی یک نظریه تفسیری به مفسر کمک می‌کند که علاوه بر داشتن چارچوب نظریه تفسیری، منظومه فکری مشخص و معینی نیز پیدا کند؛ زیرا ممکن است چارچوب نظریه تفسیری مفسری برای خودش روشن باشد؛ ولی عملاً در تحول زمان و فرایند کار، دچار تقلب رأی گشته و تفسیری که ارائه می‌کند، دارای منظومه فکری منظم و مشخصی نباشد؛ در نتیجه نظریه برای او مبهم و پیچیده شده و منجر به اضطراب و پریشانی تفسیر وی می‌گردد. لذا رعایت این امر منوط به داشتن نظریه تفسیری، بر اساس معیارهای مبناشناختی کارآمد در زمینه تفسیر قرآن خواهد بود.

بررسی تحلیلی - توصیفی و بهره‌مندی از مستندات کتابخانه‌ای، نشان می‌دهد که طبق برخی از معیارهای کارآمدی نظریه تفسیری، امکان حضور دانش‌های دیگر همچون جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی در حوزه تفسیر قرآن وجود خواهد داشت. بنابراین نظریه تفسیری‌ای که بر اساس این معیارهای کارآمد در مقایسه با دیگر نظریات تفسیری از آیات قرآن ارائه گردد، مانا و پویا بوده و منجر به تأثیرگذاری بهتر و بیشتر کمی و کیفی تفسیر آیات الهی در مخاطبان خواهد گشت. این مقولات ناظر به فرآورده بودن نظریات تفسیری در حوزه فهم است، نه فرآیند و پیش‌فرض دانستن آن. این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی از این دست است:

- کارآمدی نظریه در تفسیر قرآن کریم به چه معناست؟

- این کارآمدی چه ارتباطی با واقعیت، صدق و کذب دارد؟

- کارآمدی نظریه تفسیری، بر چه معیارهای مبناشناختی‌ای استوار خواهد بود؟

### ۱. نظریه تفسیری کارآمد

«نظریه» در لغت به معنای عقیده، فکر و مجموعه‌ای نظام‌مند از اندیشه‌ها و طرح‌هایی است که رواج یافته و طرفدارانی دارد.<sup>۱</sup> هدف نظریه، ایجاد شبکه‌ای هدفمند بین مفاهیم و گزاره‌هایی است که با توضیح مستدل و تصدیق شده از واقعیت، سازگار با راهبردهای علمی، معیارهای مورد نیاز علم جدید را ایجاد می‌کند. نظریات علمی، با فرضیات علمی تفاوت دارد.<sup>۲</sup> فرضیات علمی، برآورد

۱. نک: معین، ۱۳۷۱: ۲۰۹؛ عمید، ۱۳۹۰: ۴۰۲.

۲. نک: شعاری تژاد، ۱۳۷۵: ۲۳-۲۵.

و تخمین حاصل از یک پدیده تجربی آزمایش پذیر و محدود است و با آن که امری علمی و قدرتمند است، اما توضیح جامع و ذهنی ارائه نمی‌کند. در مقابل، یک نظریه علمی، توضیحی عمیق و ذهنی از مجموعه‌ای از پدیده‌های مشاهده شده و مرتبط است که به علت و چرایی آن‌ها می‌پردازد. بنابراین یک نظریه علمی شامل یک یا چند فرضیه است که این فرضیه‌ها از راه آزمایش‌های مکرری پشتیبانی می‌شوند. آنچه یک نظریه را تأیید یا رد می‌کند، فرضیه‌هایی است که از پس آن نظریه تولید شده و به‌طور مستقیم مورد آزمایش قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup>

«تفسیر» نیز مصدر باب تفعیل از ماده «فَسَر» است. «فسر» در لغت به بیان و توضیح، پیدا و آشکار ساختن امر پوشیده، کشف و اظهار معنای معقول<sup>۲</sup> و نظایر آن معنا شده و در اصطلاح به معنای علم فهم و بیان معانی نهفته در کلمه‌ها، عبارات آیات و کشف مراد خداوند از هر راه معقول است و شامل رسیدن به معانی تمامی آیات، اعم از محکم و متشابه، ظاهر و باطن، نص و ظاهر و به‌طور کلی دریافت «مراد خداوند» است. در واقع هرچه مفسر بتواند با کمک علوم مورد نیاز تفسیر و یاری گرفتن از راه‌های معقول و منطقی در هر نوع تفسیری (نقلی، عقلی، عرفانی و...) به مراد خداوند نزدیک شود، به تفسیر آیات رسیده است.<sup>۳</sup>

کارآمدی امری نسبی، و با توجه به اهداف، امکانات و موانع خاص هر پدیده، متغیر است. کارآمدی کل برابر با حاصل جمع جبری کارآمدی‌های مراحل گوناگون است.<sup>۴</sup> کارآمدی یا ناکارآمدی یک جزء از یک پدیده مرکب، امری است مجموعی. در بیان کارآمدی یک پدیده، باید به تفاوت میان اهداف آن، که بر نظام جهان‌بینی آن پدیده اثر دارد، توجه داشت. به‌طور کلی فهم، رأی و نظر مفسر در مبانی، اصول و راهبرد تفسیر آیات قرآن، همه نشأت گرفته از نظریه تفسیری مفسر است که براساس آن، منظومه فکری منظمی از سوی مفسر ارائه شده و موجب ماندگاری و اثربخشی این نظریه در مخاطبان می‌شود.<sup>۵</sup> در مقام ارزیابی کارآمدی یک پدیده مرکب، مانند نظریه تفسیری، باید به کل آن مجموعه توجه داشت و نمی‌توان بر اساس کارآمدی یا ناکارآمدی یک جزء، آن پدیده را کارآمد یا ناکارآمد دانست.

۱. نک: دلاور، ۱۳۹۰: ۶۱.

۲. نک: جوهری، ۱۳۷۵: ۱۲۴/۱؛ ابن منظور، ۱۹۹۹: ۲۰۱/۲؛ طریحی، ۱۹۸۵: ۱۹۱/۲.

۳. نک: سیوطی، ۱۴۲۱: ۴/۲۱۳؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۱۶۲.

۴. نک: فتحعلی، ۱۳۸۳: ۲۲۷.

۵. نک: مجتهد شبستری، ۱۳۷۵: ۲۳؛ امین الخولوی، بی‌تا: ۲۱؛ پاکتچی، ۱۳۸۷: ۶۸۷/۱۵.

## ۲. رابطه کارآمدی با صدق و کذب

رابطه کارآمدی با صدق و کذب و تطبیق آن با واقعیت و حقیقت، از اموری است که میزان کارآمدی یک نظر یا عمل، با توجه به آن سنجیده می‌شود. اهمیت این مسئله به گونه‌ای است که مورد توجه مکاتبی چون پراگماتیسم و فانکشنالیسم قرار گرفته است.

مکتب پراگماتیسم: این تفکر مدعی است که میان عقیده و عمل، رابطه ایجاد کرده و اگر عقیده‌ای، به نتیجه خوب و کارآمد برای انسان بینجامد، باید آن را صادق و حقیقی قلمداد کرد، وگرنه کاذب خواهد بود. کارآمدی حقیقت چیزی، ساکن و تغییرناپذیر نیست؛ بلکه با گذشت زمان، توسعه و تحول می‌یابد. آنچه اکنون صادق است، ممکن است در آینده صادق نباشد.<sup>۱</sup> کارآمدی و حقیقت، آن چیزی خواهد بود که ما را قادر سازد تا به گونه‌ای رضایت‌بخش، مسائل و مشکلات جاری آن زمان را بررسی و حل کنیم. از دیدگاه محققان این مکتب، هر چیزی که برای کسی در زمان خاصی صادق و حقیقت است، ممکن است برای کس دیگری در همان زمان صادق و حقیقت نباشد.<sup>۲</sup>

در بیان نقدهای وارد بر کارآمدی و صدق در مکتب پراگماتیسم، باید گفت: آنچه این مکتب در تعریف صدق و ارزیابی گزاره‌ها و معرفت‌ها برگزیده، توان اثبات مدعای خود را نیز ندارد. این که همه امور بر اساس فایده و نتیجه عینی - عملی سنجیده شود، به صورت موجبه جزئی پذیرفتنی است؛ اما تعیین کارآمدی، کارکرد و فایده به عنوان ملاک صدق و میزان سنجش و ارزش‌گذاری قضایا با چالش‌هایی چون تعارض حقیقت با فایده عملی، به صورت‌های گوناگون و مکرر در طول زندگی مواجه است.

مکتب فانکشنالیسم: «Function» به معنای نتیجه و اثر است. در منطق کارکردگرایی، اثر یا پیامد یک پدیده، در ثبات، بقا و انسجام نظام اجتماعی اثر خواهد داشت. در این مکتب، به دلیل محوریت فایده‌مندی و تلاش در جهت رسیدن به سود حداکثری، فایده، تنها معیار عینی برای تشخیص حق از باطل، صدق از کذب و کارآمدی از ناکارآمدی شمرده می‌شود.<sup>۳</sup> از این رو این دیدگاه در بُعد هستی‌شناسی، هستی‌های فرامادی را نادیده انگاشته و جایگاهی برای مسائل فرامادی قائل نیست. در بُعد انسان‌شناختی نیز با نادیده انگاشتن فطرت و اختیار و برگزیدن نگاه بدبینانه نسبت به انسان، نتوانسته میان اصالت دادن به انسان و پذیرفتن جامعه به عنوان یک هستی

1. See: James, 1995: 443.

2. See: The Cambridge Companion to Dewey, 2010: 107: ۵۷: ۱۳۹۰: آذرنگ،

۳. نک: کاپلستون، ۱۳۷۵: ۸ / ۸۵.

فرافردی جمع نماید. در بُعد معرفت‌شناختی، نقش معرفت‌بخشی عقل و وحی را نادیده انگاشته و ابزار معرفت را به حس تقلیل داده است. در بُعد راهبرد شناختی نیز، این نظریه علاوه بر آن که منابع معرفتی غیر از حس را نادیده انگاشته است، ابعاد و خواسته‌های غیرمادی انسان را نیز به خواسته‌ها و ابعاد مادی او تقلیل داده است.<sup>۱</sup>

بنابراین نظریه فانکشنالیسم با تأکید بر سودمندی یک پدیده و عمل انسانی، نسبت‌گرایی، معیارهای ماورایی در ارزش‌یابی اشیاء را نفی کرده و با تضعیف ارزش‌های دینی و اخلاقی و تفکیک میان اخلاق و قدرت، کارآمدی را در این امور منحصر دانسته و توجهی به مسائل دینی و فرامادی ندارد.

اگرچه کارآمدی مورد نظر این‌گونه مکاتب، به شکل گسترده با ابتدایی‌ترین مسائل دینی و اسلامی ما سازگاری ندارد، اما کارآمدی و مبانی صدق و کذب، به معنای محوریت داشتن سود و فایده‌مندی حداکثری در امور مختلف، از جمله در نظریه تفسیری، موجب کارآیی و پایداری نظریات خواهد شد.

### ۳. معیارهای راهبردی کارآمد نظریه تفسیری

راهبرد، راهی برای رسیدن به هدف و مقصود، با نظم و توالی خاص است،<sup>۲</sup> که هم به خود راه و هم قواعد و ابزارهای رسیدن به آن اشاره دارد. مقصود از راهبرد در نظریات تفسیری، فرآیندی است که مفسر آن را در فهم آیات دنبال می‌کند و اختلاف در آن، سبب تفاوت در فهم آیات خواهد شد. راهبردهای کارآمد یک نظریه تفسیری عبارتند از:

#### ۳-۱- دخالت نداشتن پیش‌دانسته‌های مفسر:

سیر تطور تفاسیر، این حقیقت را برای ما نمایان می‌سازد که تفسیرها از آغاز تکوین خود همواره به رنگ باورها و پیش‌فرض‌های مفسران و علوم عصر خود درآمده‌اند.<sup>۳</sup> فهم صحیح در گرو آن نیست که ذهن ما از هر پیش‌فرضی تهی باشد؛ چراکه این امر ممکن نیست. فهم صحیح آن است که بدانیم معلومات پیشین ما چیست که آن‌ها را منتقد، مستند و معقول کنیم و از این معلومات به بهترین شکل استفاده کنیم. نظریه‌های مفسر گاه به گونه مبانی پایه در علوم اسلامی است؛ مانند: اصالت ظهور، حجیت یک دسته از مفاهیم و عدم حجیت دسته دیگر، محدوده استناد به اطلاق کلام، و گاه نظریاتی است که بیشتر در عصر جدید مطرح شده، مانند: نظریه محدوده انتظار از

۱. نک: ریتزر، ۱۳۸۰: ۱۲۱-۱۲۲؛ کوزر، ۱۳۸۰: ۲۰۲.

۲. نک: ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱/۲۴.

۳. نک: ایازی، ۱۳۷۸: ۵۲-۶۳.

دین و چگونگی زبان دین. در تمام این پیش فرض‌ها نقش مفسر به طور آشکار نمود خود را در تفسیر قرآن نشان خواهد داد.

افزون بر نقش این نظریه‌ها در تفسیر، مسائل دیگری همچون دانسته‌های علمی مفسر، نکات روان شناختی و زیستی مفسر، و... برای مفسر مطرح است که قاعدتاً نباید در مقوله فهم تأثیری داشته باشد. بنابراین چگونگی فهم پیام از متن، با عنایت به پیش فرض‌ها و عقاید مخاطبان متفاوت خواهد بود. در میان مفسران، مَشْرَب‌های گوناگونی وجود دارد که بر اساس دانسته‌ها و گرایش‌های فردی، اجتماعی، تاریخی و... به تفسیر قرآن پرداخته و با توجه به تخصص خود، یکی از لایه‌های قرآن کریم را تفسیر کرده‌اند.<sup>۱</sup> مثلاً فقیهی که با استنباط احکام از متون قرآن و حدیث به نوعی تفسیر دست می‌زند، سوابق ذهنی و اطلاعات او از دنیای خارج در فتوایش تأثیر دارد. به دلیل تأثیر این عوامل، تفسیر قابل تحول و تکامل بوده، و بشری و غیر مقدس به شمار می‌رود؛ لذا انتساب دادن این تفسیرها به شریعت و دین از سر نا آگاهی از عوامل پدیدآورنده آنهاست. به عنوان نمونه در ذیل آیه: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد، ۲)، بر خلاف مفسرانی که در تفسیر، این آیه را با بیان عقلی به عدم معلق بودن آسمان استدلال کرده اند،<sup>۲</sup> مفسرانی هستند که به جاذبه زمین و مسائل مختلف آن آگاهند و بیان می‌دارند: «این آیه خبر از قوه‌ای می‌دهد که به سبب آن اجرام بدون پایه هم می‌توانند در فضا معلق باشند؛ زیرا قانون جاذبه ستارگان و اجرام سماوی را در آسمان نگه داشته و این بر اساس قوانین ثابت خداوند متعال است.» (صادقی، بی تا: ۱۲ / ۲۴۶) همچنین مفسری که برای نقش زن در جامعه اسلامی اهمیت قائل است، برخلاف روایاتی که در باب مشورت با زن آمده و حتی تصریح شده که با آنان مشورت نکنید و یا اگر مشورت کردید، با آنان مخالفت کنید،<sup>۳</sup> در تفسیر آیاتی چون: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بقره/۲۳۳)، «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص/۲۶)، نه تنها مشورت با زنان را جایز، که در مواردی پسندیده و مطلوب می‌داند.<sup>۴</sup>

### ۳-۲- حول نظریات، بدون تحول معانی واژگان:

پیدایش معانی جدید برای یک واژه در طول زمان را نباید به معنای تحول معنای واژه‌ها در طول زمان دانست؛ بلکه معانی جدید، مفهومی‌های دیگری است که در کنار مفاهیم پیشین، از این واژگان فهمیده می‌شود و هرگز معانی پیشین به معانی جدید متحول نمی‌شود؛ زیرا واژه‌ها برای

۱. نک: خمینی، ۱۳۷۲: ۹۳-۹۵.

۲. نک: رازی، ۱۳۷۱: ۱۸، ۲۳۱-۲۳۲.

۳. نک: ابوحجر، ۲۰۰۱: ۲۴۱.

۴. نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲ / ۱۹۳.

معانی همه کس فهم وضع شده اند، نه برای هویت واقعی و اوصاف پنهان که در حد فهم همگان نیست؛ و این معانی همه کس فهم در طول زمان ثابت است و تحولی در آن رخ نمی‌دهد. اگر با پیشرفت دانش بشر، شناخت جدیدی نسبت به اوصاف پنهان آن‌ها حاصل شده، و یا نظریه‌های علمی نسبت به حقیقت تغییر یابد، تأثیری در تحول معانی آن‌ها نخواهد داشت؛<sup>۱</sup> زیرا گرچه حصول نظریه جدید موجب می‌شود که هنگام تصور آن امور یا شنیدن و دیدن الفاظ دال بر آنها، ویژگی‌ها و مشخصات جدیدی از آن‌ها به ذهن آید، ولی آن معیارها به دلیل ناشناخته بودن آن‌ها در هنگام وضع، نه جزء معانی کلمات بوده و نه گوینده این معنا را قصد داشته است. روشن می‌شود که صفات حقیقی و واقعی اشیا آنگونه که در متن واقع هستند، جزء معانی مفردات نبودند، تا کشف اوصاف آن و تحول در نظریه‌های مربوط به آن، در معانی الفاظ موثر افتد. در معانی مجازی نیز اگر استعمال لفظ در معنای مورد نظر، قبل از پیدایش نظریه جدید نسبت به آن معنا باشد، ویژگی‌ها و اوصافی که بعد از استعمال لفظ در پرتو نظریه‌های جدید برای آن معنا کشف شده، مورد نظر گوینده نبوده و لفظ را برای دلالت بر آن استعمال نکرده و بخشی از معنای لفظ نیست. از این جهت، نظریه‌ها در امکان کاربردهای حقیقی یا مجازی جدید، برای الفاظ موثر بوده و ممکن است معانی حقیقی و مجازی جدیدی برای الفاظ به وجود آورند؛ ولی در کاربردهای حقیقی و مجازی آن الفاظ، که پیش از پیدایش نظریه‌های جدید انجام گرفته، به هیچ وجه نمی‌تواند تأثیر نهاده و معانی آن‌ها را تغییر دهد. از این رو معانی حقیقی یا مجازی مورد نظر یک گوینده، در واژگانی که به کار می‌برد، نه تنها ممکن است با تحول نظریه‌ها متحول نشود، بلکه برای فهم دقیق آن، ضرورت دارد که این معانی جدید نادیده گرفته شود.

این امر باید در نظریات تفسیری نیز به عنوان یک معیار کارآمد مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا فهم مفاد آیات قرآن و دیگر متون دینی، بر مبنای معانی نوین الفاظ، که در پرتو دانش‌ها و نظریه‌های زمان‌های متأخر پدید آمده است، نه تنها ضرورت ندارد، بلکه به طور اکید باید از آن خودداری کرد و تفسیر باید تنها بر مبنای مفاهیم کلمات در زمان نزول انجام گیرد.<sup>۲</sup> همچنین اگر از نوعی تحول معنایی برای واژگان قرآن در پرتو تحول نظریه‌های علمی سخن به میان آید، به گونه‌ای که این تحول معنایی و معانی نوین در فهم مفردات قرآن لازم به نظر رسد (به این دلیل که معانی، مسبوق و مصبوغ به نظریه‌ها هستند)، به پیروی از دگرگونی نظریه‌ها، معانی الفاظ (همان معانی‌ای که الفاظ از ابتدا برای آن وضع شده‌اند) نیز دگرگون می‌شوند. به عنوان مثال: وقتی نظریه مربوط به کره نورانی بزرگی که کلمه «شمس» برای آن وضع شده، تغییر نمود، معنای شمس هم تغییر می‌یابد؛

۱. نک: سعیدی روشن، ۱۳۸۵: ۲۱-۲۲.

۲. نک: رحمان ستایش، ۱۳۷۴: ۱۲۵-۱۲۶.

یعنی در گذشته خورشید به معنای جرم نورانی چرخان به دور زمین بوده و اکنون معنای آن توده‌ای عظیم از گاز است که زمین به دور آن می‌چرخد. بنا بر این دیدگاه، در هر عصری می‌توان و باید آیات قرآن و متون دینی را بر مبنای معنای نوینی که در پرتو دانش‌ها و نظریه‌های رایج آن عصر برای مفردات به وجود آمده، معنا و تفسیر نمود و بر همین اساس تحول معرفت دینی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.<sup>۱</sup> بنابراین هرچند واژه‌ها در طول زمان ممکن است معانی جدید حقیقی یا مجازی بیابند، ولی پدید آمدن این معانی جدید کلیت ندارد؛ یعنی این‌گونه نیست که همه واژگان در مدت معینی معانی جدیدی پیدا کنند.<sup>۲</sup>

آنچه مسلم است، این است که مفسر در ارائه نظریه تفسیری خود باید توجه داشته باشد که در فهم مفردات قرآن، معانی حقیقی و مجازی زمان نزول قرآن را مدنظر قرار دهد و از دخالت دادن تحولاتی که در دوران پس از نزول قرآن در واژگان پدید آمده، در فهم آیات قرآن بپرهیزد؛ زیرا ممکن است واژه‌ای در طول زمان پس از نزول قرآن، معانی حقیقی و مجازی جدیدی بیابد و یا معانی حقیقی و مجازی زمان نزول مهجور گردد.

از سوی دیگر، زبان به سبب نقش مهمی که در زندگی اجتماعی انسان دارد، از بسیاری تحولات و دگرگونی‌های اجتماع خود و چه بسا نهادهای اجتماعی برون‌زبانی دیگر تأثیر می‌پذیرد و دگرگون می‌شود. کیفیت و کمیت دگرگونی‌های زبانی، به کیفیت و کمیت تحولات غیرزبانی بستگی دارد، اما با آن‌ها برابر نیست.<sup>۳</sup>

تحولات اجتماعی - فرهنگی به مراتب زودتر از تغییر و تحولات زبانی روی می‌دهند و به‌خوبی در زبان و نظریات مربوط به آن نمود می‌یابند. در واقع زبان ظرف فرهنگ و اجتماع مخاطبان خود است. از این رو شناخت هر زبانی فارغ از فرهنگ آن جامعه زبانی غیرممکن می‌نماید. بنابراین هر نوع تغییر و توسعه اجتماعی و آموزشی، از طریق زبان و فرهنگ امکان‌پذیر است؛ به‌گونه‌ای که تنها شناخت قواعد زبان و لایه‌های درون‌زبانی نمی‌تواند در شناخت هر زبانی میسر باشد؛ بلکه نیازمند شناخت سطوح مختلف فرازبانی، شامل سطوح فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و دیگر لایه‌ها و پیش‌انگاره‌هایی است که گفتمان در آن صورت می‌گیرد.<sup>۴</sup> از همین روست که در کارآمدی برای یک نظریه، معیار راهبردها شناختی توجه به کارکردهای زبانی امری لازم و ضروری است.

۱. نک: سروش، ۱۳۹۷: ۱۳۱.

۲. نک: بابایی، ۱۳۹۶: ۱۰۳-۱۰۷.

۳. نک: آزادی‌کناری، ۱۳۷۶: ۴۵-۲۵.

۴. نک: کرامش، ۱۳۹۰: ۲۲؛ خسرو پناه، ۱۳۹۳: ۱۲.



برخی از این کارکردها عبارتند از: توصیف حقایق و واقعیت‌ها؛ تبیین علّی و معلولی پدیده‌ها؛ نقل و انتقال تجارب و فرهنگ گذشتگان و کارکردهای عاطفی - احساسی.

در ارائه نظریه کارآمد تفسیری، بر مفسر لازم است به نوع مواجهه قرآن کریم با عناصر فرهنگ زمان نزول، مانند: مقابله با عناصر منفی، تأکید و تکامل عناصر مثبت، استفاده از زبان قوم برای تفهیم بهتر مقاصد خود و... توجه داشته باشد.

### ۳-۳- شناخت اهداف سور و آیات:

قرآن مطالب بسیار متنوع و گوناگونی را عنوان کرده و از سوی دیگر آن مطالب را در یک جا جمع نمی‌کند؛ بلکه به‌طور پراکنده و متناسب با هدف خاصی که در آیه دنبال می‌شود، آورده است. حتی داستان‌هایی که از امت‌های گذشته و انبیای سلف نقل کرده، هر قسمت از این داستان‌ها با هدف خاص آیه تناسب دارد. در واقع راهبرد قرآن، تناسب مطالب با هدف تربیتی خاصی است که آیه برای آن آمده است: «وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/ ۸۹) قرآن در طول ۲۳ سال و در مناسبت‌های مختلف نازل شده و در هر مناسبتی، هر مطلبی که لازم بوده، در آیات آمده است.<sup>۱</sup> قرآن مانند همه کتب آسمانی، مستقیماً بر پیامبر (ص) و با زبان مخاطبانش نازل شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِيَلْسَنَ قَوْمِهِ» (ابراهیم/ ۴) زیرا هدف این است که مردم بتوانند آن را بفهمند و تعقل کنند، تا هدف قرآن که هدایت و تربیت انسان‌هاست، محقق گردد.<sup>۲</sup>

قرآن در برخورد با مخاطبان خود، سطح معرفت و عقول افراد و محیط، مختصات پیرامون و اندازه معلومات آنان را ملاحظه می‌کند تا ایشان را از هر نظر پیش برده و هدایت کند. حقایق و آیات الهی نزول پیدا کرده و با تعابیر ملموس و زبانی مبین در اختیار انسان قرار گرفته است.<sup>۳</sup> به همین دلیل شناخت و تبیین اهداف کلی قرآن، اهداف کلی سوره‌ها و اهداف کلی آیات، معیاری راهبردها شناختی برای کارآمدی یک نظریه تفسیری است که باید مد نظر مفسر قرار گیرد.

### ۳-۴- سطح و بطن شناسی:

جاودانگی، ابدیت و جامعیت قرآن در بستر متحول زمان و لزوم رعایت اقتضای فهم همه مخاطبان وحی در همه عصرها، به‌طور طبیعی سبب ایجاد سطوح و بطن‌های متعدد در کلام و حیاتی می‌شود. این ویژگی‌ها از یک سو مستلزم آن است که همه معارف مورد نیاز عصرها و نسل‌ها که از قلمرو حس و عقل بشر خارج است، به صورت یکجا از منبع وحی، بر آدمیان عرضه شود و از سوی

۱. نک: طبرسی، ۱۳۷۹، ۱۵: ۱۲۷.

۲. نک: طباطبائی، ۱۳۹۳، ۱۱: ۱۰۳.

۳. نک: مطهری، ۱۳۷۰، ۱: ۳۳.

دیگر، رعایت اقتضای حال و فهم مخاطبان مستلزم آن است که وحی آسمانی برای آنان قابل درک و شناخت باشد.

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «ان للقرآن ظهراً و بطناً» (فیض کاشانی، ۱۳۸۶: ۸۰/۱) یعنی هر آیه قرآن در پس پرده ظاهر، بطنی دارد و همین بطن قرآن است که آن را ابدی، جاودانه و جهانی ساخته است. بطون و لایه‌های نهفته در ورای الفاظ و معنای ظاهری قرآن، از یک سو سبب غنای بی‌نظیر کلام الهی و از سوی دیگر سبب بلاغت و مطابقت با مقتضای حال بودن آیات قرآن شده است. بسیار روشن است که اگر همه مقاصد در قالب صریح الفاظ بیان می‌شد، ویژگی بلاغت و مطابقت با مقتضای حال آیات قرآن از بین می‌رفت و آیات، با شبهه لغوگویی و عدم تناسب با نیاز زمان روبه‌رو می‌شد.<sup>۱</sup> در روایات معصومین (ع) نیز به بطن دار بودن آیات قرآن اشاره شده است، مانند این روایت:

«عن فضیل بن یسار قال: سألت أبا جعفر عن هذه الرواية: "ما من القرآن آية إلا و لها ظهر و بطن" فقال: ظهره تنزیله و بطنه تأویله، منه ما قد مضى و منه ما لم یکن، یجری کما یجری الشمس و القمر» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۹؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۷۷)

دستیابی به معنای تأویلی و باطنی قرآن کریم نیز معیارها و ضوابطی چون: رعایت تناسب معانی پنهان با معانی ظاهری آیات،<sup>۲</sup> یافتن محور اصلی پیام،<sup>۳</sup> سازگاری با روح کلی پیام‌های قرآن،<sup>۴</sup> فهم ظاهر قرآن، مقدمه‌راهیابی به بطن آن،<sup>۵</sup> وجود شواهد و قراین معتبر<sup>۶</sup> و... را می‌طلبد.

### نتایج و یافته‌های پژوهشی

از آغاز نزول قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی که تعالیم دین خاتم را به طور کامل و جامع در بر دارد، افراد بسیاری به فهم و تفسیر قرآن پرداخته‌اند. این امر، دیدگاه‌ها و مکاتب تفسیری گوناگونی را پدید آورده است و با گذر زمان، ممکن است دیدگاه‌های تفسیری جدیدی نیز پدید آید. یافته‌های پژوهشی این تحقیق عبارتند از:

۱. ملاک برای فهم متن وحی، فهم مقصود خود فرستنده و ابلاغ کننده وحی است؛ اما این فهم در آینه فهم‌ها و نظریات مفسران و انتظاراتی که آنان از دین دارند، انعکاس می‌یابد.

۱. نک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲۸-۳۲.

۲. نک: شیرازی، ۱۳۶۶: ۸۲؛ قاسمی، ۱۳۹۸: ۱، ۶۷.

۳. نک: معرفت، ۱۴۱۸: ۱، ۲۹۰-۲۹۱.

۴. نک: طباطبائی، ۱۳۹۳: ۱، ۱۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱، ۱۲۸.

۵. نک: زرکشی، ۱۴۱۰: ۲، ۱۷۱.

۶. نک: زرقانی، بی‌تا، ۲: ۹۱.

ارزیابی رویکردهای معاصر در تفسیر قرآن... / احمدی بیغش و قمرزاده ۳۰۱

۲. داشتن معیار و نقشه راه در آراء و دیدگاه‌های تفسیری، موجب محدود نشدن فهم‌های تفسیری و گسترش کمی و کیفی فهم کتاب الهی می‌گردد.

۳. مبانی صدق و کذب و حقیقت و واقعیت در کارآمدی دیدگاه تفسیری، باید با مبانی دینی و اسلامی سازگاری داشته باشد، نه با سلايق شخصی و جوامع مختلف.

۴. دیدگاه تفسیری، بر معیارهای راهبردی چون: دخالت نداشتن پیش‌دانسته‌های مفسر، تحول دیدگاه‌ها بدون تحول معانی واژگان، رابطه زبان و فرهنگ زمانه، شناخت اهداف آیات و سور، سطح و بطن‌شناسی کارآمد گشته و مانا و استوار خواهد بود.

تحلیل جوانب گوناگون معیارهای کارآمدی در دیدگاه‌های تفسیری، دریچه‌ای نو بر آرای مفسران در این عرصه باز می‌کند؛ به‌ویژه هنگامی که هیچ پژوهشی در این عرصه تولید نشده باشد.

## کتابنامه

### الف- کتب و مقالات

#### الف-۱: فارسی

قرآن کریم.

نهج البلاغه (ترجمه صبحی صالح).

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۹)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.

ابوحجر، احمد عمر (۲۰۰۱)، التفسیر العلمی فی المیزان، بنگازی: دارالمدار الاسلامی.

آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۹۰)، باب آشنایی با ریچارد رورتی، تهران: انتشارات جهان کتاب.

آزادی کناری، شعبان (۱۳۷۶)، «نگاهی به آموزش زبان فارسی به خارجیان»، مجله نامه پارسی، شماره

هفتم، صص ۲۰-۴۹.

امین الخولی (بی تا)، التفسیر نشأته تدرّجه تطوره بیروت: دارالکتب اللبنانی.

ایازی، سید محمدعلی (۱۳۷۸)، قرآن و تفسیر عصری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

بابایی، علی اکبر (۱۳۹۶)، روش شناسی تفسیر قرآن، تهران: سمت.

پاکتچی، احمد (۱۳۸۷)، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، تفسیر تسنیم، قم: اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۵)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، قم: معارف اهل بیت (ع).

خمینی، روح الله (۱۳۷۲)، آداب الصلاة، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار.

دلاور، علی (۱۳۹۰)، روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش.

رازی، فخرالدین (۱۳۷۱)، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، تهران: اساطیر.

ریتزر، جورج (۱۳۸۰)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.

زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی تا)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مصر: داراحیاء الکتب العربیة.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی.

سروش، عبدالکریم (۱۳۹۷)، قبض و بسط تئوریک شریعت، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.

سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۸۵)، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، قم: مؤسسه پژوهشی

حوزه و دانشگاه.

سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۸)، البهجة المرضیه فی شرح الالفیه، قم: اسماعیلیان.

سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالفکر.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم رفتاری، تهران: مؤسسه امیرکبیر.

- صادقی، محمد (بی تا)، الفرقان فی تفسیر القرآن، بی تا: بی جا.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، قرآن در اسلام از دیدگاه شیعه، قم: انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طریحی، فخرالدین (۱۹۸۵)، مجمع البحرین، بیروت: مکتبة الهلال.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳)، مبانی و روش های تفسیر قرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عمید، حسن (۱۳۹۰)، فرهنگ عمیده تهران: آگاه.
- فتحعلی، محمود (۱۳۸۷)، مبانی اندیشه اسلامی؛ درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۸۶)، الصافی فی تفسیر القرآن، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- قاسمی، احمد جمال الدین (۱۳۹۸)، محاسن التأویل، بیروت: دارالفکر.
- کرامش، کلر (۱۳۹۰)، زبان و فرهنگ ترجمه فریبا غضنفری، راحله قاسمی و پدram لعل بخش، تهران: امیرکبیر.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۵)، هرمنوتیک: کتاب و سنت تهران: طرح نو.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، آشنایی با قرآن، تهران، انتشارات صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۸)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد، منشورات الجامعة الرضوی.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، تهران: چاپخانه سپهر.
- James, William (1995). *Pragmatism (Philosophical Classics)*, Dover Publications.
- The Cambridge Companion to Dewey* (2010). Edited by Molly Cochran, Cambridge Cambridge: University Press .